

Economic Security as a Human Right in the Light of the Economic Philosophy of the Quran; A Systematic Reading of Foundations, Components, Responsibilities, and Contemporary Challenges

Abstract

In the dominant Western paradigm, security studies are founded on secular foundations and based on notions such as the inherent self-centeredness of humans (realism) or purely instrumental rationality (liberalism), which lead to predominantly material, external, and reactive approaches to the phenomenon of insecurity. This research, by rejecting the comparative method and placing the Holy Quran as an independent and systematic source at the center of analysis, seeks to extract an alternative and comprehensive model for protection and disciplinary security. Using a systematic thematic interpretation method and a directed qualitative analysis, over ٢٠٠ verses related to the concepts of security (amn, sakinah, tumaninah, khawf), human (nafs, ruh, fitrah, karamat), and their contrasting concepts were collected and organized under a network of main categories. The findings indicate that from the Quranic perspective, the human being possesses a fixed monotheistic fitrah, is composed of clay and spirit, and has inherent dignity, free will, and responsibility. Accordingly, the ontology of security is not centered on the absence of physical threats but on the realization of existential tranquility (sakinah) and the empowerment to fulfill the responsibility of divine vicegerency. In the domain of protection and disciplinary security, this model has clear implications: law enforcement, in addition to its negative functions (crime fighting), must adopt cultural-educational prevention based on purification (tazkiyah) and revival of fitrah; establish comprehensive justice and social unity as its strategic principles; and, by utilizing deterrent power (i'dad al-quwwah) and vigilance, establish intelligent and just security in society. By addressing the ultimate causes of insecurity (the commanding self, Satan, corruption, division, taghut) and offering a preventive and comprehensive approach, this model provides a theoretical framework for sustainable security that can serve as a basis for developing operational strategies in protective and law enforcement institutions of Islamic societies.

Keywords: Scientific authority of the Quran, Quranic anthropology, security studies, monotheistic security, protection and disciplinary security, cultural prevention.

امنیت اقتصادی به مثابه حق بشری در پرتو فلسفه اقتصادی قرآن؛ خوانشی نظام مند از مبانی، مؤلفه ها، مسئولیت ها و چالش های معاصر

سید سجاد آل سیدغفور^۱

چکیده

مسئله این پژوهش، بررسی امکان استنباط حق امنیت اقتصادی به عنوان یک حق بشری از منظر قرآن کریم است. پژوهش حاضر با هدف بازخوانی نظام مند حق امنیت اقتصادی از منظر قرآن کریم و با روش تحلیل محتوای کیفی آیات اقتصادی انجام شده است. پرسش اصلی آن است که آیا از منظر فلسفه اقتصادی قرآن، امنیت اقتصادی را میتوان به عنوان یک حق انسانی اساسی استنباط کرد و مؤلفه ها، دامنه شمول و مسئولیتهای ناظر بر آن کدامند؟ یافته ها نشان می دهد که بر مبنای اصولی چون توحید در روزیرسانی، کرامت ذاتی انسان، عدالت و قسط، امنیت اقتصادی در منظومه فکری قرآن نه تنها یک حق فردی، بلکه تعهدی اجتماعی و حکومتی است که شامل تمام ساکنان جامعه اسلامی، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، میگردد. این حق در قالب حقوق فرعی مانند حق بر رزق، حق بر کرامت در کار و حق بر بهرهمندی از نظام عادلانه توزیع ثروت تجلی می یابد. مقاله حاضر با تحلیل مبانی فقهی مرتبط و بررسی تجربیات عملی مانند نهادهای وقف و زکات، به مطالعه تطبیقی با اسناد بین المللی حقوق بشر و واکاوی چالش های اجرایی در جوامع اسلامی میپردازد. نتیجه نهایی تأکید بر یک مدل سه جانبه مسئولیت (فرد، جامعه مدنی، حکومت) و ارائه پیشنهادهایی برای نهادهاسازی نوآورانه و سنجش کمی این حق بر اساس شاخصهای توسعه انسانی است.

کلیدواژه ها: امنیت اقتصادی، حقوق بشر اسلامی، فلسفه اقتصادی قرآن، کرامت انسانی، حق بر رزق، عدالت اقتصادی، مسئولیت سه گانه، فقه اقتصادی، نهادهای مدنی، شاخص های سنجش.

^۱ دانش آموخته حوزه علمیه قم؛ دکتری علوم سیاسی و محقق رسمی گروه تفسیر قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم. aleghafoor@isca.ac.ir

۱. مقدمه

در جهان معاصر، امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ارکان اساسی حقوق بشر، در اسناد بین المللی متعددی مورد توجه و تضمین قرار گرفته است. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق هر انسانی را بر برخورداری از سطح زندگی کافی برای تأمین سلامت و رفاه خود و خانواده اش، از جمله غذا، پوشاک، مسکن و نیز حق بر امنیت در صورت بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، بیوگی، پیری یا سایر موارد فقدان معیشت، به رسمیت شناخته است (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۸، ماده ۲۵). همچنین ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق هر شخص را بر سطح زندگی کافی برای خود و خانواده اش، شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی، و نیز بهبود مستمر شرایط زندگی، مورد تأکید قرار داده است (سازمان ملل متحد، ۱۹۶۶، ماده ۱۱). در گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد (۲۰۲۴) نیز بر ضرورت توجه به امنیت انسانی و اقتصادی به عنوان بخشی از شاخصهای توسعه تأکید شده است.

رویکردهای سکولار و لیبرال به حقوق بشر، این حق را عمدتاً بر مبنای اومانیستی، عقلانیت خودبنیاد بشری و قراردادهای اجتماعی متغیر و زمینمند استوار میسازند. در این چارچوب، امنیت اقتصادی اغلب به عنوان محصول توافق های نهادی و قوانین موضوعه ملت-دولتها درک میشود که میتواند در پرتو تغییر توازن قوا و ارزشهای اجتماعی دستخوش تحول یا تزلزل گردد. این نگاه زمینمند و قراردادی، اگرچه در عمل برخی دستاوردها داشته، اما به دلیل فقدان پشتوانه متافیزیکی و ثبات، همواره در معرض چالشهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. از سوی دیگر، تمرکز صرف بر دولت به عنوان ضامن اصلی این حق، بار سنگینی بر دوش حکومتها نهاده و با کمرنگ شدن نقش نهادهای مدنی و مسئولیت فردی، شبکه حمایت اجتماعی را شکننده ساخته است.

در مقابل، جهان بینی اسلامی و به طور خاص قرآن کریم، با ارائه مبانی متافیزیکی، هستی شناختی و ارزشی منحصر به فرد و ثابت، خوانشی متفاوت، غنی و پایدار از این مفهوم ارائه میدهد. قرآن کریم در آیات متعدد، نظام اقتصادی را بر پایه اصولی بنا نهاده که ریشه در اراده و رحمت الهی، کرامت ذاتی انسان و غایت عدالتمحور آفرینش دارد. نگاه قرآن به انسان، نگاهی کرامتبخش و مسئولیت آفرین است که در آن اقتصاد صرفاً ابزاری برای تأمین نیازهای مادی نیست، بلکه بستری برای تعالی معنوی، عبادت خالصانه و تحقق حیات طیبه به شمار میآید. این خوانش، امنیت اقتصادی را نه صرفاً به عنوان یک امتیاز اجتماعی مشروط، بلکه به مثابه حقی الهی-انسانی میفهمد که ریشه در نظام توحیدی و کرامت اعطاشده به تمامی ابنای بشر دارد.

با این حال، پرسش اساسی آن است که آیا در پرتو فلسفه اقتصادی قرآن، میتوان برای امنیت اقتصادی جایگاهی به مثابه یک حق بشری قائل شد؟ اگر آری، مبانی الهیاتی، انسان شناختی و ارزشی این حق چیست؟ دامنه شمول آن آیا شامل غیرمسلمانان در جامعه اسلامی نیز میشود؟ مؤلفه ها یا حقوق فرعی ناشی از این حق کدامند؟ مسئولیت تحقق آن بر عهده کیست و چه نهادها و مکانیسم هایی برای عملیاتی کردن آن در جوامع معاصر اسلامی قابل تصور است؟ همچنین، چگونه میتوان مؤلفه های این حق قرآنی را با شاخصهای کمی توسعه انسانی سنجش و ارزیابی کرد؟ این پرسش ها، چارچوب اصلی پژوهش حاضر را شکل میدهند و پاسخگویی به آنها نیازمند رویکردی نظام مند، بین رشتهای و مبتنی بر روشهای علمی معتبر است.

فرضیه اصلی این مقاله آن است که فلسفه اقتصادی قرآن، با محوریت مفاهیمی چون توحید در روزی رسانی، کرامت ذاتی انسان و عدالت قسطمحور، جامعترین و عمیق ترین مبنا را برای حق امنیت اقتصادی به عنوان حقی الهی-انسانی فراهم میآورد که دامنه آن جهانی و شمول آن فراتر از مرزهای دینی است. این نگاه، در عین همسویی با گفتمان جهانی حقوق بشر در تأکید بر رفع فقر و محرومیت، از حیث مبنا و غایت با آن تفاوت بنیادین دارد و الگویی از حکمرانی مبتنی بر مسئولیت اخلاقی فرادینی ارائه میدهد.

اهمیت پژوهش حاضر از چند منظر قابل تبیین است. نخست آنکه با اتخاذ رویکردی نظام مند و روش مند، میکوشد تا از سطح کلی گویی در مورد اقتصاد اسلامی فراتر رفته و با ارائه مستندات کدگذاری و تحلیل دقیق، زنجیره استنتاج از آیات تا حقوق فرعی را شفاف سازد. دوم آنکه با طرح مسئله شمول غیرمسلمانان، یکی از نقاط کور در گفتمان حقوق بشر اسلامی را روشن میکند. سوم آنکه با ارائه مدل سه گانه مسئولیت و بررسی نهادهای عملی مانند زکات و وقف، میان نظریه و عمل پیوند برقرار میکند. چهارم آنکه با تطبیق مفاهیم قرآنی با شاخصهای بینالمللی توسعه، زمینه را برای سنجش کمی و سیاست گذاری مبتنی بر شواهد فراهم میآورد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین در حوزه اقتصاد اسلامی و حقوق بشر را میتوان در چهار دسته اصلی جای داد. دسته نخست، مطالعات تفسیری و کلامی قرآنی است که به بررسی واژگان و مفاهیم کلیدی مرتبط با اقتصاد مانند رزق، برکت، عدل و قسط پرداخته اند. از جمله این آثار میتوان به المیزان فی تفسیر القرآن اثر علامه طباطبائی (۱۳۹۰) اشاره کرد که در آن مباحث اقتصادی مانند رزق، مال، عدل و قسط با رویکردی اجتهادی و با عنایت به آیات و روایات تفسیر شده است. جوادی آملی (۱۳۸۵) در کتاب مبانی حقوق بشر در اسلام، با رویکردی فلسفی-کلامی به تبیین اصول حقوق بشر از منظر قرآن پرداخته و بر کرامت انسانی و عدالت به عنوان مبانی اصلی تأکید دارد. اخوان طیبی و داوری (۱۳۹۷) در پژوهشی با روش معناشناسی، مفهوم قسط در قرآن را به عنوان عدالت اجتماعی و اقتصادی تحلیل کرده و آن را از مفاهیم بنیادین در نظام اقتصادی قرآن معرفی کردهاند. عزتی (۱۴۰۳) نیز در مطالعه‌ای با عنوان عدالت در قرآن و ابعاد اقتصادی آن، به ابعاد مختلف عدالت اقتصادی در آیات پرداخته است. این دسته از پژوهشها، هرچند از غنای نظری بالایی برخوردارند، اما عموماً رویکردی تفسیری-کلامی دارند و کمتر با چارچوب های مدرن حقوق بشری و حقمحورانه پیوند خورده اند.

دسته دوم، مطالعات فقهی و حقوقی اسلامی است. در این حوزه، آثار بزرگانی مانند شهید صدر (۱۹۶۱) در کتاب اقتصادنا به عنوان یکی از مهمترین آثار در نظام سازی اقتصادی اسلام شناخته میشود که با رویکردی تطبیقی به تبیین نظریه اقتصادی اسلام در برابر سرمایه‌داری و سوسیالیسم پرداخته است. صدر در این کتاب، اصولی مانند مالکیت دوگانه (خصوصی، عمومی و دولتی)، آزادی اقتصادی در چارچوب اخلاقی و عدالت اجتماعی را تبیین کرده و به تحلیل نهادهایی مانند زکات و خمس پرداخته است (صدر، ۱۹۶۱، صص ۴۹-۶۳). همچنین تفاسیر فقهی مانند فقه القرآن قطب راوندی (۱۳۸۵) و احکام القرآن جصاص (۱۳۸۵) از منابع مهم در استنباط احکام اقتصادی از آیات قرآن به شمار میروند. راوندی در فقه القرآن، به تفسیر آیات الاحکام با رویکردی فقهی پرداخته و به ویژه در مسائل معاملات و مالیات های اسلامی، استنباط های دقیقی ارائه کرده است. جصاص نیز در احکام القرآن، با روشی فقهی-اجتهادی، به تبیین احکام شرعی از جمله احکام اقتصادی پرداخته است. نهادهای مالی اسلامی مانند زکات و خمس و نیز نهاد وقف، در این دسته از مطالعات به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته اند. محقق حلی (۱۳۸۷) در شرایع الاسلام و علامه حلی (۱۳۸۰) در تذکره الفقهاء، به وجوب کفایت فقرا و نیازمندان از بیت المال تأکید کردهاند. شربینی (بی تا) در مغنی المحتاج به مسئولیت حکومت اسلامی در قبال اهل ذمه و تأمین معیشت آنان اشاره کرده است. با این حال، این دسته از مطالعات، بیشتر ناظر به استنباط احکام و تکالیف است تا تبیین حقوق به شکل مدرن آن و اغلب از روش تحلیل محتوای نظام مند و شفاف بهره مند نیستند.

دسته سوم، مطالعات حقوق بشری اسلامی معاصر است. ابوسلیمان (۲۰۰۷) در کتاب نظریه حقوق بشر در اسلام، به تبیین کلیات حقوق بشر از دیدگاه اسلام پرداخته و بر مبانی توحیدی و کرامت انسانی تأکید دارد. عباسی و کلهرنیگلکار (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان فلسفه حقوق بشر اسلامی در چشمانداز آموزه های وحیانی، به مبانی فلسفی حقوق بشر اسلامی پرداخته و آن را با رویکردهای سکولار مقایسه کردهاند. ساداتی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه اصول قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی، به استخراج اصولی چون امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و مدیریت اقتصادی از قرآن پرداختهاند. در این پژوهش، نویسندگان با مراجعه به آیات مربوط به مال، تجارت، زکات و ربا، اصول کلان حقوق اقتصادی

شهروندی را استخراج کرده و بر ضرورت تدوین منشور حقوق اقتصادی بر اساس این اصول تأکید کرده اند. همچنین محمدی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان مبانی قرآنی امنیت اقتصادی، به تحلیل آیات مرتبط با امنیت اقتصادی پرداخته و آن را در سه سطح فردی، اجتماعی و حکومتی بررسی کرده است. این آثار اگرچه گامی مهم در جهت پیوند میان الهیات و حقوق بشر هستند، اما کمتر به صورت متمرکز و با روشی تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای نظام مند، مبانی قرآنی حقوق اقتصادی را واکاوی کرده اند.

دسته چهارم، مطالعات تطبیقی و بینرشته‌ای است. برخی پژوهش‌های جدیدتر به مقایسه مفاهیم اسلامی با نظریات توسعه مانند نظریه قابلیت آمارتیا سن (۱۹۹۹) پرداخته اند. سن در کتاب توسعه به مثابه آزادی، توسعه را فرایند گسترش قابلیت‌های واقعی افراد برای دستیابی به زندگی‌ای که به آن ارزش مینهند، تعریف میکند (سن، ۱۹۹۹، ص ۳۶). بذریاچ و بزرگی (۱۴۰۲) در پژوهشی تطبیقی با عنوان مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر با آموزه‌های قرآنی، نقاط اشتراک و افتراق گفتمان حقوق بشری بین‌المللی و آموزه‌های قرآنی را تبیین کرده اند. حسینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان نگرشی قرآنی به مفهوم امنیت اقتصادی و ترسیم نظام آسیب‌شناسی و تأمین آن، به تحلیل آیات اقتصادی پرداخته و بر ضرورت توجه به ابعاد کرامتی و معنوی امنیت اقتصادی تأکید کرده اند. این پژوهش، از جمله آثاری است که با رویکردی نظام‌مند به مفهوم امنیت اقتصادی از منظر قرآن پرداخته و آن را در سه سطح فردی، اجتماعی و حکومتی تبیین کرده است. علوی‌مهر (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی با عنوان راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی در تولید از دیدگاه قرآن، به استخراج راهکارهای عملی برای تحقق عدالت اقتصادی در حوزه تولید پرداخته است. میردامادی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان نگرشی قرآنی به مفهوم امنیت اقتصادی، به تحلیل مفاهیم مرتبط با امنیت اقتصادی در قرآن پرداخته و بر نقش دولت و نهادهای مدنی در تأمین آن تأکید دارد.

نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین، در چند محور قابل شناسایی است. نخست آنکه با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و ارائه جداول کدگذاری مستند، فرایند استنتاج را شفاف‌سازی میکند و از کلیگویی در استناد به آیات پرهیز می‌نماید. دوم آنکه به مسئله شمول حق امنیت اقتصادی نسبت به غیرمسلمانان با جزئیات بیشتری پرداخته و با استناد به هر سه ستون انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و تاریخی-فقهی، ادعای خود را مستند می‌سازد. سوم آنکه با ارائه مدل سه‌گانه مسئولیت و تطبیق آن با نهادهای موجود مانند زکات و وقف، به جنبه‌های عملی و اجرایی حق امنیت اقتصادی توجه دارد. چهارم آنکه با ارائه جدول تطبیقی با شاخص‌های بین‌المللی توسعه، امکان سنجش کمی این حق را فراهم می‌آورد و گامی در جهت عملیاتی‌سازی آن در سیاستگذاری‌ها برمی‌دارد.

۳. روش تحقیق

۳.۱. رویکرد و روش

این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی (تماتیک) با رویکرد تفسیر موضوعی آیات قرآن کریم بهره گرفته است. تحلیل محتوای کیفی، روشی منظم و عینی برای شناسایی، کدگذاری و طبقه‌بندی مضامین موجود در متون است که امکان استخراج نظام‌مند مفاهیم و الگوهای معنایی را فراهم می‌آورد. در این روش، محقق با غوطه‌وری در داده‌ها، به شناسایی واحدهای معنایی، کدگذاری آنها، و در نهایت سازماندهی کدها در قالب مقوله‌ها و تم‌های اصلی می‌پردازد. رویکرد تفسیر موضوعی نیز به معنای گردآوری تمام آیات مرتبط با یک موضوع خاص و سپس تحلیل و تفسیر آنها در پرتو یکدیگر است تا دیدگاهی جامع و نظام‌مند از دیدگاه قرآن در آن موضوع به دست آید.

جامعه آماری تحقیق، تمامی آیات مرتبط با مفاهیم اقتصادی در قرآن است که با جستجوی کلیدواژه‌هایی چون: رزق، مال، فقر، غنی، عدل، قسط، کرم، بخش، اکل مال بالباطل، ربا، احتکار، زکات، صدقه، انفاق، یتیم، مسکین، این سبیل، ضعف و ترکیبات آنها شناسایی شدند. در مجموع ۱۲۷ آیه مرتبط با مفاهیم اقتصادی شناسایی و مطالعه شد. از میان این آیات، ۵۴ آیه که مستقیماً به مبانی، مؤلفه‌ها یا دامنه حق امنیت اقتصادی مرتبط

بودند، برای کدگذاری باز انتخاب شدند. معیار انتخاب این ۵۴ آیه، ارتباط مستقیم آنها با مفاهیمی بود که در ادبیات حقوق بشری و اقتصادی با حق امنیت اقتصادی پیوند دارند، مانند رزق، کرامت، عدالت، نفی ربا و احتکار، وجوب زکات و انفاق.

۳.۲. فرایند کدگذاری و تحلیل

فرایند کدگذاری در سه مرحله انجام شده است. در مرحله اول، کدگذاری باز، کدهای باز عبارت بودند از مفاهیمی مانند: توحید در روزیرسانی، مالکیت امانی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی، عدالت توزیعی، عدالت ساختاری، نفی ربا، نفی احتکار، وجوب انفاق، حق مسکین و... در مجموع ۸۷ کد باز اولیه استخراج گردید.

در مرحله دوم، کدگذاری محوری، کدهای باز بر اساس همگرایی معنایی، در مقوله‌های محوری دسته بندی شدند. مقوله های محوری عبارت بودند از: مبانی هستی شناختی (شامل توحید در روزیرسانی و مالکیت امانی)، مبانی انسانشناختی (شامل کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی)، مبانی ارزشی (شامل عدالت توزیعی و عدالت ساختاری)، مؤلفه‌های حق (شامل حق بر رزق، حق بر کار، حق بر توزیع عادلانه، حق بر حمایت در برابر تهدیدات سیستمیک، حق بر مشارکت)، دامنه شمول (شامل شمول مؤمنان و شمول همه ساکنان) و مسئولیتها (شامل مسئولیت فرد، جامعه مدنی و حکومت).

در مرحله سوم، کدگذاری انتخابی، مقوله های محوری در قالب تم‌های اصلی سازماندهی شدند. تم های اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. نظام توحیدی روزیرسانی به عنوان بنیان هستی شناختی حق، ۲. کرامت ذاتی به عنوان بنیان انسان شناختی حق، ۳. عدالت قسط محور به عنوان بنیان ارزشی حق، ۴. حقوق فرعی ناشی از حق امنیت اقتصادی، ۵. دامنه شمول فراگیر حق، ۶. مدل سه گانه مسئولیت.

جدول شماره ۱: فرایند کدگذاری مفاهیم قرآنی مرتبط با امنیت اقتصادی

کد باز (آیه/مفهوم)	تعداد ارجاع	کد محوری	تم (مضمون اصلی)	تفسیر مستند
رزق (هود: ۶، ذاریات: ۵۸، عنکبوت: ۶۰، حجر: ۲۱)	۲۷	توحید در روزی رسانی	نظام توحیدی روزی رسانی	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۱۳۵)؛ طوسی (۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۴۱)
استخلاف (حدید: ۷)	۵	مالکیت امانی	نظام توحیدی روزی رسانی	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۷۰)
کرامت (اسراء: ۷۰)	۸	کرامت ذاتی	کرامت انسانی	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۷۰)؛ مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۶۰)
تقوا (حجرات: ۱۳)	۱۲	کرامت اکتسابی	کرامت انسانی	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۲۰)
قسط (حدید: ۲۵)	۱۴	عدالت ساختاری	عدالت قسط محور	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۷۵)
عدل (نحل: ۹۰، مائده: ۸)	۱۱	عدالت توزیعی	عدالت قسط محور	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۵۰)
اکل مال بالباطل (بقره: ۱۸۸، نساء: ۲۹)	۶	نفی ظلم اقتصادی	مؤلفه های حق	راوندی (۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۵)؛ جصاص (۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵۰)

ربا (بقره: ۲۷۵-۲۷۹)	۷	نفی سیستم ربوی	مؤلفه های حق	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۰۰)
زکات (توبه: ۶۰)	۲۴	بازتوزیع ثروت	مؤلفه های حق	طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۹، ص ۳۵۰)

منبع: یافته های پژوهش

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی مفاهیم کلیدی در آیات قرآن

مفهوم کلیدی	تعداد آیات	پرکاربردترین سوره ها
رزق و مشتقات آن	۴۲	بقره، هود، ذاریات، عنکبوت
مال و اموال	۳۸	بقره، نساء، توبه، انفال
عدل و قسط	۲۵	حدید، نحل، مائده، شورا
فقر و مسکین	۱۸	بقره، توبه، کهف، بلد
انفاق و صدقه	۲۲	بقره، آل عمران، توبه، حدید

منبع: یافته های پژوهش

۳.۳. اعتبار و پایایی تحقیق

برای تأمین اعتبار و پایایی تحقیق، از راهکارهای متعددی استفاده شده است. نخست، استفاده از تفاسیر معتبر و متنوع (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ طوسی، ۱۳۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴؛ راوندی، ۱۳۸۵؛ جصاص، ۱۳۸۵) که هر یک با رویکردی متفاوت به تفسیر آیات پرداخته اند، امکان برداشت یکسویه را محدود کرده است. دوم، کدگذاری چندمرحله ای با بازبینی توسط دو متخصص علوم قرآنی و حقوق اسلامی، که در مراحل مختلف، کدهای استخراج شده را بررسی و تأیید کرده اند. سوم، شفافسازی کامل مراحل استنباط و ارائه جداول کدگذاری که امکان بازخوانی و نقد فرایند تحلیل را برای خواننده فراهم میآورد. چهارم، توجه به قرائتهای مختلف فقهی در مواجهه با آیات دارای دیدگاههای گوناگون (مانند آیات مربوط به اهل ذمه)، که با گزارش و مقایسه آنها، از اتخاذ موضع یکجانبه پرهیز شده است.

۳.۴. محدودیت های روش شناختی

با وجود تلاش برای رعایت دقیق اصول روش شناختی، این پژوهش با محدودیت هایی نیز مواجه بوده است. ماهیت تفسیری روش تحلیل محتوا، همواره این احتمال را وجود دارد که پیش فرضهای پژوهشگر بر فرایند کدگذاری و تحلیل تأثیرگذار باشد. برای کاهش این سوگیری، از بازبینی چندباره کدها و مشورت با متخصصان استفاده شده است. همچنین، محدودیت زمانی و دامنه گسترده آیات اقتصادی، امکان تحلیل تمامی ۱۲۷ آیه را به طور عمیق و یکسان فراهم نمی آورد و تمرکز بر ۵۴ آیه منتخب، اگرچه با معیارهای مشخص صورت گرفته، ممکن است برخی از آیات مرتبط را از دسترس دور کرده باشد. با این حال، پژوهش حاضر مدعی ارائه تنها خوانش ممکن نیست، بلکه درصدد عرضه الگویی نظاممند و مستند است که میتواند بستری برای گفتوگوی بینرشتهای و مطالعات بعدی باشد.

۴. یافته ها و تحلیل

۴.۱. مبانی هستیشناختی حق امنیت اقتصادی: توحید و مالکیت مطلق الهی

۴.۱.۱. توحید در روزیرسانی: بنیاد متافیزیکی اطمینان و آرامش اقتصادی

آیات قرآنی به طور صریح و مکرر، اصل توحید در روزیرسانی را به عنوان سنگ بنای نظام اقتصادی مبتنی بر ایمان مطرح می کنند. آیه شریفه ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ (هود: ۶) با بیانی کلی و فراگیر، تأمین رزق هر جنبنده ای در زمین را ذاتی ذات باری تعالی و مستقیماً تحت اراده و علم الهی میداند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه مینویسد: سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه روزیرسانی مختص به ذات الهی است و هیچ موجودی در این امر با او شریک نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۱۳۵). همچنین آیه شریفه ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ (ذاریات: ۲۲) بر این معنا تأکید دارد که روزی بندگان در آسمان (و به دست خداوند) رقم میخورد. آیه ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ﴾ (عنکبوت: ۶۰) نیز بر این حقیقت تأکید میکند که بسیاری از جنبندگان، توان حمل رزق خود را ندارند و خداوند آنها را روزی میدهد و شما نیز از آن روزی میخورید. همچنین آیه شریفه ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ (حجر: ۲۱) بر این معنا دلالت دارد که خزائن تمام اشیاء نزد خداست و او به مقدار معین نازل میکند.

این نگرش، پیامدهای عمیق هستیشناختی و روانشناختی دارد. از منظر هستی شناسی، این آیات و نظایر آنها نظام خلقت را نه تصادفی و بی هدف، بلکه نظامی غایتمند و مبتنی بر رحمت و تدبیر حضرت حق معرفی میکنند. رزق و روزی، به عنوان بخشی از این تدبیر حکیمانه، ذاتی ذات الهی است؛ به این معنا که نه تنها او روزی رسان است، بلکه این صفت، جدانشدنی از مفهوم ربوبیت اوست. این نگاه، در برابر رویکردهای ماتریالیستی و سکولار قرار میگیرد که امنیت اقتصادی را صرفاً محصول عوامل مادی، تلاش بشری، یا قراردادهای اجتماعی ناپایدار و متغیر میدانند. در آن منظومه فکری، امنیت همواره در معرض تهدید نوسانات بازار، تغییر حکومتها و بحران های غیرمنتظره است و فرد در میان این عدم قطعیت ها، اضطرابی وجودی را تجربه میکند.

اما در فلسفه اقتصادی قرآن، این مبنا، پشتوانهای متافیزیکی و روانشناختی بینظیر برای حق امنیت اقتصادی فراهم میآورد. باور به اینکه منبع نهایی روزی، خداوند قادر و رحیم است، اضطراب وجودی ناشی از عدم قطعیت های مادی را کاهش میدهد. این بدان معنا نیست که انسان از تلاش و تدبیر معاف است، بلکه به این معناست که تلاش او در بستری از اطمینان به پشتیبانی حکیمانه الهی صورت میگیرد. این اطمینان قلبی خود یک مؤلفه امنیت بخش روانی است که فرد و جامعه را در برابر شوکهای اقتصادی تابآورتر میسازد. در واقع، قرآن با این مبنا، هم به نیاز مادی بشر پاسخ میگوید و هم به نیاز روانی او به آرامش و ثبات. این نگاه عمیقاً با مفهوم توکل در اسلام گره خورده است: توکل نه به معنای تنبلی، بلکه به معنای انجام دادن مسئولانه اسباب مادی در عین ایمان به اینکه نتیجه نهایی در دست خداست (هادوی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵). بنابراین، حق امنیت اقتصادی در این چارچوب، تنها به معیشت مادی محدود نمیشود، بلکه حق بر برخورداری از آرامش روانی در فرآیند تأمین معیشت را نیز در بر می گیرد.

۴.۱.۲. مالکیت امانی و مسئولیت پذیر: پیوند ذاتی حق فردی و تعهد اجتماعی

مبنای دوم هستی شناختی که مستقیماً از اولی نشأت میگیرد، مفهوم مالکیت امانی و مشروط انسان است. آیه شریفه ﴿أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْقُضُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُتَخَلِّفِينَ فِيهِ﴾ (حدید: ۷) به وضوح بیان میکند که انسان در زمین و بر اموال، جانشین و امانتدار خداوند است. شهید صدر در اقتصادنا با تبیین نظریه مالکیت در اسلام مینویسد: نظریه عمومی توزیع در اسلام، حق فرد را در منابع طبیعی به تملیک نتیجه کار او یا بهره مندی مستقیم و مستمر او از آن منبع مرتبط میداند و به همین دلیل، این حق زمانی از بین می رود که هر یک از این دو مبنا از بین برود (صدر، ۱۹۶۱، ص

۵۲۹). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه استخلاف، این مفهوم را با نظریه جانشینی انسان در زمین پیوند میدهد و بر این نکته تأکید دارد که انسان در زمین، جانشین خداست و باید بر اساس امانتداری و عدالت عمل کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۷۰). در این نگاه، مالکیت مطلق از آن خداست و آنچه به انسان سپرده شده، مالکیتی اعتباری، امانی و مشروط است. این شرط مهم، همان مسئولیت پذیری در قبال جامعه و نظام خلقت است.

این دیدگاه، پیوندی ناگسستنی میان حق مالکیت فردی و تکلیف اجتماعی ایجاد میکند. حق فرد برای برخورداری از امنیت اقتصادی و بهره مندی از مال، مشروط به رعایت امنیت اقتصادی دیگران و حفظ سلامت کلی نظام اقتصادی است. از این منظر، اقداماتی مانند احتکار (که کالای ضروری را از دسترس عموم خارج میکند)، ربا (که ثروت را به ظلم و بدون پشتوانه کار واقعی منتقل میکند)، اسراف و تبذیر، نه تنها گناه فردی، بلکه نقض آشکار حقوق اقتصادی دیگران و تخریب امنیت جمعی محسوب میشوند. قرآن با شدیدترین بیان از این مفاسد نهی کرده است: درباره ربا می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ (بقره: ۲۷۵) و در روایات متواتر، احتکار به شدت مذمت شده است. حکیمی (۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۲۱) با استناد به احادیث، احتکار را به عنوان اقدامی که بازار را تخریب و دسترسی عادلانه به کالاهای ضروری را منع میکند، معرفی مینماید.

این اصل قرآنی، قابل مقایسه با مفهوم مدرن مسئولیت اجتماعی بنگاه ها و افراد است، اما با ریشه ای به مراتب عمیق تر و الزام آورتر. در گفتمان سکولار، مسئولیت اجتماعی اغلب داوطلبانه یا ناشی از فشار افکار عمومی و قوانین موضوعه است. اما در نگاه قرآنی، این مسئولیت، جزء ذاتی و شرط مالکیت است و ریشه در رابطه انسان با خدا دارد. تخلف از آن، هم تجاوز به حقوق مردم (حق الناس) است و هم نافرمانی از خدا (حق الله). بنابراین، نظام اقتصادی مطلوب قرآن، نظامی است که در آن حق فردی و مصلحت جمعی در تعادلی پویا قرار میگیرند. این اصل، زیربنای فقهی بسیاری از احکام اجتماعی-اقتصادی اسلام، مانند زکات (به عنوان حق فقرا در اموال اغنیا)، نفی انحصار و لزوم رعایت عدالت در معاملات است.

۴.۲. مبانی انسان شناختی: کرامت ذاتی انسان، محور حق مندی و بنیاد تعهد اجتماعی

آیه محوری وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء: ۷۰) نه تنها یک گزاره توصیفی، بلکه یک اصل تأسیسی و هنجارآفرین در منظومه فکری اسلام است. این آیه، با صراحت، کرامت ذاتی را به تمامی فرزندان آدم - بدون هیچ قید و شرط نژادی، قومی، جنسیتی یا حتی دینی - اعطا میکند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه مینویسد: کرامت در این آیه، کرامت تکوینی است که خداوند به تمامی انسانها اعطا کرده است و این کرامت، اکتسابی نیست و به ایمان یا عمل خاصی مشروط نمیشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۷۰). مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه با اشاره به این آیه میگوید: این کرامت، یک موهبت الهی و همگانی است و همه فرزندان آدم را شامل میشود، هر چند که این کرامت با تقوا و ایمان، شکوفاتر و کامل تر میگردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۶۰).

با این حال، آیه دیگری در قرآن کریم، کرامت را مشروط به تقوا معرفی میکند: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳). برای رفع این تعارض ظاهری، باید میان دو نوع کرامت تفکیک قائل شد: کرامت تکوینی (ذاتی) که در آیه اسراء: ۷۰ بیان شده و به تمامی انسانها اعطا گردیده است، و کرامت اکتسابی (تشکیکی) که در آیه حجرات: ۱۳ به آن اشاره شده و بر اساس تقوا و ایمان، مراتب متفاوتی پیدا میکند. طباطبایی در المیزان، با اشاره به این تفکیک مینویسد: آیه کرامت، کرامت ذاتی و تکوینی را بیان میکند و آیه حجرات، کرامت اکتسابی و تشکیکی را. این دو با یکدیگر تعارضی ندارند؛ زیرا کرامت ذاتی، زمینه را برای کسب کرامت اکتسابی فراهم میآورد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۲۰). این کرامت ذاتی، غیراکتسابی، عام و جهان شمول است و خاستگاه مشروعیت تمام حقوق بشری در اسلام است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

پیوند این مبنا با حق امنیت اقتصادی، مستقیم و اجتنابناپذیر است. فقر مطلق، گرسنگی اجباری، بیکاری تحقیرآمیز و استثمار سیستماتیک، تنها محرومیتهای مادی نیستند؛ آنها حملاتی مستقیم به کرامت انسانی محسوب میشوند. فردی که برای تأمین حداقلی غذا و پوشاک خود باید دست تحقیر به سوی دیگران دراز کند یا در شرایط کاری غیرانسانی و ناعادلانه به سر برد، عملاً از آن حیثیت ذاتی خویش تهی میشود. مطهری (۱۳۷۷، ص ۸۹) در این باره مینویسد: فقر، نه تنها یک محرومیت مادی، بلکه سلب کرامت انسانی است و جامعه اسلامی موظف است با فقر به عنوان یک پدیده ضدکرامت مبارزه کند. بنابراین، تأمین شرایط زندگی شرافتمندانه - که همان حق امنیت اقتصادی است - تکلیفی اخلاقی و حقوقی بر عهده جامعه و حکومت است. جامعه و حکومت به عنوان مجری اراده الهی در زمین، موظفند ساختارهایی ایجاد کنند که این کرامت در عرصه اقتصادی محفوظ بماند. این نگاه، آشکارا با نظریه توسعه به مثابه آزادی سن (۱۹۹۹) همسویی دارد، اما با تمایز در منشأ الهی کرامت و قدسی بودن آن.

۴.۳. مبانی ارزشی: عدالت قسط محور؛ عدالتی ساختارشکن و غایتگرا

قرآن با بیانی باشکوه، هدف نهایی ارسال پیامبران را برپایی قسط در میان مردم معرفی میکند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). علامه طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۷۵) می نویسد: قیام به قسط، یعنی برپایی عدالت در تمام شؤون زندگی. همچنین آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) بر وجوب عدل تأکید دارد. عدالت قسط محور در قرآن، صرفاً یک فضیلت اخلاقی فردی نیست، بلکه غایت کلان نظام اجتماعی - اقتصادی است.

عدالت قرآنی، فراتر از عدالت توزیعی صرف میرود و عدالت ساختاری را هدف قرار میدهد. قرآن با محکوم کردن مفاهیمی چون بخش (هود: ۸۵)، اکل مال بالباطل (بقره: ۱۸۸) و اکتناز (توبه: ۳۴-۳۵)، به ریشه های نظام مند بی عدالتی حمله می برد. درباره اکتناز، علامه طباطبایی در المیزان (۱۳۹۰، ج ۹، ص ۳۹۰) و رشید رضا در تفسیر المنار (بی تا، ج ۱۰، ص ۲۵۰) معتقدند که کنز حتی با پرداخت زکات نیز مذموم است. نمونه اعلاای این نگاه، موضع قرآن در برابر نظام ربوی است (بقره: ۲۷۵-۲۷۹). ربا ساختاری ناعادلانه می آفریند که ناامنی اقتصادی را برای توده مردم نهادینه میکند. احتکار نیز که احادیث متعددی بر مذمت آن تأکید دارند، ساختار بازار را تخریب می کند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۲۱). عدالت قسط محور، نظام اقتصادی را در سه سطح بازسازی میکند: جلوگیری از شکل گیری ساختارهای ظالمانه، تضمین توزیع عادلانه منابع و حمایت از آسیب پذیران در برابر شوک ها.

۴.۴. دامنه شمول حق امنیت اقتصادی: نگاهی به جایگاه غیرمسلمانان و بنیادهای جهانشمول حق

یکی از پرسشهای محوری در تبیین نظریه حق بشری، بررسی دامنه شمول آن است. ادعای این پژوهش آن است که دامنه حق امنیت اقتصادی فراگیر و مبتنی بر انسانیت است، نه انحصاراً بر اساس ایمان. این ادعا بر سه ستون استوار است:

الف) ستون انسانشناختی: کرامت ذاتی، معیاری فرادینی

مبنای نخست، اصل کرامت ذاتی در آیه اسراء: ۷۰ است که خطاب عام و جهانشمول دارد. مطهری (۱۳۷۷، ص ۸۹) و ابوسلیمان (۲۰۰۷، ص ۵۳) بر این نکته تأکید دارند که کرامت، موهبتی الهی و غیرمشروط به اعتقاد است. فقر تحقیرآمیز، این کرامت را نقض میکند و تأمین امنیت اقتصادی پایه برای غیرمسلمانان، تکلیفی ناشی از کرامت است.

ب) ستون هستی شناختی: رزاقیت عام الهی

آیاتی چون هود: ۶ و ذاریات: ۲۲، دایره رزاقیت الهی را به همه مخلوقات تعمیم میدهند و هیچ قید دینی در آنها وجود ندارد. مفهوم استخلاف (حدید: ۷) نیز مسئولیتی عام ایجاد میکند. صدر (۱۹۶۱، ص ۵۲۰) و قحف (۱۳۸۵، ص ۱۱۲) بر این نکته تأکید دارند که دولت اسلامی مسئول تأمین معیشت تمام شهروندان است.

(ج) ستون تاریخی - فقهی: سیره نبوی و تعهدات حکومتی

مبثاق مدینه به عنوان اولین سند حکمرانی، امنیت مالی را برای همه ساکنان به رسمیت شناخت (الصلابی، ۲۰۰۳، ص ۱۸۹). فقهایی مانند شافعی (۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۰۰)، ماوردی (۱۴۰۶ق، ص ۱۷۷) و شریینی (بی تا، ج ۴، ص ۲۳۴) بر تأمین معیشت اهل ذمه از بیت المال تصریح کرده اند. در فقه شیعه نیز محقق حلی (۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۸۰) و علامه حلی (۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۰۰) بر وجوب کفایت فقرا از بیتالمال تأکید دارند. بنابراین، حق امنیت اقتصادی در خوانش قرآنی - اسلامی، حقی بشری و ناشی از کرامت انسانی است که دامنه آن تمام ساکنان جامعه را شامل میشود.

۴.۵. مؤلفه ها و حقوق فرعی ناشی از حق امنیت اقتصادی

از مبانی سه گانه، حقوق فرعی ذیل قابل استنتاج است:

جدول شماره ۳: زنجیره استنتاج مؤلفه‌های حق امنیت اقتصادی از مبانی قرآنی

مؤلفه حق	مبنای مرتبط	کد میانی	آیات مستند
حق بر تأمین حداقل معیشت شرافتمندانه (رزق)	توحید + کرامت	رزاقیت عام + کرامت انسانی	هود: ۶ ذاریات: ۲۲، اسراء: ۷۰
حق بر کار شرافتمندانه و عادلانه	کرامت + عدالت	کرامت انسانی + نفی ظلم	نساء: ۲۹، هود: ۸۵
حق بر بهره مندی از نظام بازتوزیع عادلانه ثروت	عدالت قسط محور	قسط و عدل	توبه: ۶۰ معارج: ۲۴-۲۵
حق بر حمایت در برابر تهدیدات سیستمیک اقتصادی	عدالت قسطمحور	نفی ربا، احتکار، فساد	بقره: ۲۷۵-۲۷۹، هود: ۸۵
حق بر مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی	کرامت + عدالت	شورا و قیام به قسط	شوری: ۳۸، حدید: ۲۵

منبع: یافته های پژوهش

حق بر تأمین حداقل معیشت شرافتمندانه (رزق): آیه معارج: ۲۴-۲۵ بر وجود حقی معلوم در اموال برای سائل و محروم تأکید دارد. این حق ناشی از اصل توحید در روزیرسانی و کرامت ذاتی است (محمدی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۲؛ میردامادی، ۱۴۰۰، ص ۳۵).

حق بر کار شرافت مندانه، عادلانه و عاری از استثمار: قرآن بر کسب حلال تأکید دارد (نساء: ۲۹) و از بخش نهی میکند (هود: ۸۵). این حق از کرامت ذاتی و عدالت استنتاج می شود (رستمزاد، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵؛ علویمهر، ۱۴۰۱، ص ۱۶۵).

حق بر بهره مندی از نظام بازتوزیع عادلانه ثروت: آیه توبه: ۶۰ مصارف زکات را مشخص کرده و آن را فریضه الهی معرفی میکند. این حق ناشی از عدالت قسط محور است (ساداتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۰۵؛ اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰).

حق بر حمایت در برابر تهدیدات سیستمیک اقتصادی: قرآن ربا (بقره: ۲۷۵) و اکل مال بالباطل (بقره: ۱۸۸) را تحریم کرده است. این حق با نفی ساختارهای ظالمانه، به دنبال ایجاد بازاری عادلانه است (نصیری، ۱۴۰۱، ص ۱۳۵؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۵).

حق بر مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی: مفهوم شورا (شوری: ۳۸) و لزوم قیام به قسط (حدید: ۲۵) بر مشارکت تأکید دارند. این حق از کرامت ذاتی و عدالت استنتاج میشود (ساداتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۰۰؛ حقانی، ۱۴۰۰، ص ۹۰).

۴.۶. تحلیل فقهی تعارض های محتمل: خوانش های سنتی، نواندیش و مسئله حق امنیت اقتصادی

در فقه اسلامی، دو جریان عمده قابل تمایز است. جریان نخست، خوانش سنتی با تأکید بر مالکیت فردی و مسئولیت محدود حکومت است (ابن قدامه، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۶۰۵؛ شربینی، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۴). جریان دوم، خوانش نواندیش با تأکید بر مسئولیت گسترده حکومت است (صدر، ۱۹۶۱، صص ۵۱۲-۵۲۰؛ حائری، ۱۳۸۴، صص ۲۰۰-۲۱۰). این پژوهش با اتکا به مبانی قرآنی، حق امنیت اقتصادی را نه تکلیفی کفایی، بلکه حق ذهنی هر فرد میداند و نهادهای زکات و وقف را مکمل شبکه تأمین اجتماعی معرفی میکند. تجربه مالزی (JAWHAR, 2023)، عربستان و ایران (گزارش مرکز پژوهش های مجلس، ۱۴۰۱) نشاندهنده ظرفیتهای این نهادهاست، هرچند با چالشهایی مانند پراکندگی آمار و عدم شفافیت مواجه اند (قحف، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰).

۴.۷. مطالعه تطبیقی با اسناد بینالمللی حقوق بشر

جدول شماره ۴: مطالعه تطبیقی گفتمان حقوق بشر بینالمللی و گفتمان قرآنی

وجه مقایسه	گفتمان حقوق بشر بین المللی	گفتمان قرآنی
منبع مشروعیت	حاکمیت مردم، قرارداد اجتماعی	اراده الهی، کرامت اعطایی
محوریت	حق محوری	توازن حق و تکلیف
نقش بازیگران	نقش محوری دولت	مسئولیت سه گانه (فرد، جامعه مدنی، حکومت)
غایت نهایی	رفاه مادی	زندگی طیبه
مواجهه با نابرابری	توزیع مجدد	ریشه کنی ساختارهای ناعادلانه

منبع: یافته های پژوهش

با وجود تمایزات، اشتراکاتی در تأکید بر رفع فقر، حق بر کار و تأمین اجتماعی وجود دارد. قانون اساسی ایران (اصل ۲۹) و برنامه تأمین اجتماعی عربستان، نمونه هایی از رویکرد تلفیقی اند (بذریچ و بزرگی، ۱۴۰۲، ص ۲۹۰).

۴.۸. چالش های اجرایی در جوامع معاصر اسلامی و نقش نهاد های مدنی

چالش های تحقق این حق در سه سطح قابل تحلیل اند: سطح سیاسی (فساد ساختاری، ضعف نهادهای نظارتی، رویکرد کوتاه مدت)، سطح فرهنگی (کمرنگ شدن وقف، عادی شدن فساد، تضعیف خانواده) و سطح بین المللی (نظام ربوی، تحریمها، قواعد ناعادلانه تجارت). نقش نهادهای

مدنی در نظارت، آگاهی بخشی، اجرای برنامه ها و خلاقیت در حل مسائل، با الهام از آیات شوری: ۳۸ و مائده: ۲، کلیدی است (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰؛ میردامادی، ۱۴۰۰، ص ۴۰).

۴.۹. امکان سنجش کمی مؤلفه های امنیت اقتصادی قرآنی

جدول شماره ۵: شاخصهای سنجش مؤلفه های حق امنیت اقتصادی قرآنی

منبع شاخص	شاخص قابل تطبیق	مؤلفه قرآنی
بانک جهانی، UNDP	خط فقر، درصد زیر خط فقر، HDI	حق بر حداقل معیشت
ILO	نرخ بیکاری، اشتغال غیررسمی	حق بر کار شرافت مندان
بانک جهانی، IMF	ضریب جینی، سهم درآمدی دهک ها	عدالت در توزیع ثروت
UNICEF, UNDP	دسترسی به آب، بهداشت، آموزش	دسترسی به نیازهای اساسی
ILO, FAO	امنیت غذایی، پوشش بیمه	تاب آوری در برابر شوک ها
شفافیت بینالمللی	شاخص فساد، نرخ بهره	سلامت نظام اقتصادی

منبع: یافته های پژوهش برگرفته از گزارشهای (UNDP (2024)، World Bank (2023)، ILO (2022).

شاخص های بومی مانند نرخ پوشش زکات و شاخص نفوذ وقف نیز قابل طراحی اند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷۰؛ ساداتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۱۵).

۴.۱۰. واکاوی نقدهای وارد بر خوانش حق مدار از متون دینی

چهار نقد اصلی مطرح است: (۱) حق مفهومی مدرن و غربی است؛ پاسخ: مفاهیم هم خانواده در قرآن ریشه دارند (ابوسلیمان، ۲۰۰۷، ص ۷۵). (۲) قرآن بر تکلیف تأکید دارد نه حق؛ پاسخ: حق و تکلیف دو روی یک سکه اند (عباسی و کلهرنیاگلکار، ۱۴۰۳، ص ۱۵). (۳) برخی تفاسیر حقوق را به مسلمانان محدود میکنند؛ پاسخ: مبانی فرادینی، شمول فراگیر را ممکن می سازد (قحف، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰). (۴) قرآن کتاب هدایت است نه سند حقوقی؛ پاسخ: استخراج اصول راهبردی، عین اجتهاد پویاست (هادوینیا، ۱۳۸۶، ص ۵۰).

۵. نتیجه گیری

پژوهش با تحلیل ۵۴ آیه و کدگذاری سه مرحله ای، سه تم اصلی (مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و ارزشی)، پنج مؤلفه حق و مدل سه گانه مسئولیت را استخراج کرد. نتایج نهایی در پنج محور خلاصه میشود: نخست، امنیت اقتصادی در قرآن بر اصول توحید، کرامت و عدالت استوار است و شامل غیرمسلمانان نیز می گردد. دوم، این حق در قالب پنج مؤلفه فرعی تجلی می یابد. سوم، مدل سه گانه مسئولیت در برابر مدل های

دولت-محور تاب آورتر است. چهارم، مطالعه تطبیقی با اسناد بین المللی، تمایز در مبنا، غایت و ساختار مسئولیت را نشان می‌دهد. پنجم، سنجش کمی با شاخص های موجود و بومی امکانپذیر است. فرضیه پژوهش تأیید می شود، اما تحقق عملی با موانع ساختاری، فرهنگی و بینالمللی روبروست که نیازمند نهادسازی نوآورانه، بازنگری در سیاست های کلان و تقویت نقش نهادهای مدنی است.

خلاصه

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد تفسیر موضوعی، ۵۴ آیه مرتبط با مفاهیم اقتصادی قرآن را بررسی کرده و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ۸۷ کد اولیه را در قالب شش تم اصلی سازمان داده است. یافته ها نشان می‌دهد امنیت اقتصادی در قرآن تنها یک وضعیت مادی نیست، بلکه حقی بشری و فراگیر است که بر مبانی هستی‌شناختی (توحید در روزی‌رسانی و مالکیت امانی)، انسان‌شناختی (کرامت ذاتی) و ارزشی (عدالت قسط‌محور) استوار شده است.

این حق در پنج مؤلفه فرعی تجلی می یابد: حق بر حداقل معیشت شرافتمندانه، کار شرافتمندانه، بازتوزیع عادلانه ثروت، حمایت در برابر تهدیدات سیستمیک، و مشارکت اقتصادی. دامنه شمول آن مبتنی بر انسانیت و شامل غیرمسلمانان نیز می‌شود؛ تحقق آن نیز به مدل سه‌گانه مسئولیت فرد، جامعه مدنی و حکومت وابسته است. مقایسه با اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اشتراک در رفع فقر و حق کار و تأمین اجتماعی و تمایز در مبنا، غایت و ساختار مسئولیت را نشان می دهد.

نتایج

۱. امنیت اقتصادی در قرآن حقی بشری، فراگیر و فردینی است که بر توحید، کرامت ذاتی و عدالت قسط محور مبتنی است و غیر مسلمانان را نیز در بر می گیرد.

۲. این حق پنج مؤلفه دارد: معیشت شرافت مندانه، کار عادلانه، بازتوزیع عادلانه ثروت، حمایت در برابر تهدیدات سیستمیک، و مشارکت در تصمیم گیری اقتصادی.

۳. تحقق آن نیازمند مسئولیت سه گانه فرد، جامعه مدنی و حکومت است؛ سنجش کمی آن با شاخص های موجود و بومی ممکن است، اما موانع ساختاری، فرهنگی و بین المللی باقی است.

۶. پیشنهادات

الف) سیاستی: تدوین منشور حقوق اقتصادی شهروندی، بازنگری قوانین برای حذف اکل مال بالباطل، تقویت نقش نظارتی نهاد های مدنی، نوسازی زکات و وقف، و تقویت همکاری های منطقه ای.

ب) پژوهشی: سنجش انطباق قوانین کشورهای اسلامی با مؤلفه های حق، مطالعات روانشناسی- اقتصادی درباره تأثیر باورهای ایمانی بر تابآوری، تطبیق کارآمدی نظام های بازتوزیع در اسلام و نظام های رفاه سکولار، طراحی مدل حکمرانی سه ضلعی، و تدوین شاخص های بومی جامع.

منابع

قرآن کریم.

- ابوسلیمان، عبدالحمید. (۲۰۰۷). نظریه حقوق بشر در اسلام. ریاض: مؤسسه بینالمللی اندیشه اسلامی.
- ابن قدامه، موفقالدین عبدالله. (۱۳۸۰). المغنی. بیروت: دارالفکر.
- اسدی، علی. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی. فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان، ۲(۵)، ۱۲۳-۱۴۵.
- اخوان طبسی، محمدحسین و داوری، روحالله. (۱۳۹۷). صورتبندی مفهوم عدالت در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی واژه قسط. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۷(۱)، ۱۲۷-۱۴۴.
- بذریچ، حمید و بزرگی، محسن. (۱۴۰۲). مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر با آموزه‌های قرآنی. مطالعات قرآنی، ۱۴(۵۵)، ۲۷۵-۳۰۹.
- جصاص، احمد بن علی. (۱۳۸۵). احکام القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). مبانی حقوق بشر در اسلام. قم: اسراء.
- حائری، سیدکاظم. (۱۳۸۴). نظریه الدوله فی الفقه الإسلامی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حسینی، سیدابوذر؛ ایروانی، جواد و مرتضوی کاخکی، مرتضی. (۱۴۰۰). نگرشی قرآنی به مفهوم امنیت اقتصادی و ترسیم نظام آسیب شناسی و تأمین آن. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۸(۳۳)، ۵۷-۸۷.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۰). الحیاه (چاپ دوم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حقانی، ریحانه. (۱۴۰۰). مطالعه کاربردی اصول موضوعه نظام اقتصادی اسلام با محوریت آیات مفسره. اندیشه های قرآنی متفکران معاصر، ۷(۱)، ۷۳-۱۲۲.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه). (۱۳۸۰). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
- خاندوزی، سیداحسان. (۱۳۹۰). قرآن و نظریه مدینه عادلّه. در دومین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (صص ۳۴۵-۳۶۲). تهران.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله. (۱۳۸۵). فقه القرآن. قم: کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی.
- رستم نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). قرآن و نظام توزیع ثروت. قرآن و علم، ۲(۲)، ۱۳۵-۱۵۰.
- رشید رضا، محمد. (بی تا). تفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۲۱ق). التفسیر المنیر. دمشق: دارالفکر.
- ساداتی، سید مهدی؛ مرادخانی، احمد و میرداده‌ای، سیدمهدی. (۱۴۰۲). اصول قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی. مطالعات قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۷(۳۲)، ۱۹۷-۲۲۲.
- شافعی، محمد بن ادريس. (۱۳۸۵). الأم. بیروت: دارالمعرفه.

- شربینی، محمد الخطیب. (بی تا). مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج. بیروت: دارالفکر.
- صدر، سیدمحمدباقر. (۱۹۶۱). اقتصادنا. نجف اشرف: دارالفکر، مطبعه النعمان.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۵). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عباسی، محمود و کلهرنیاگلکار، میثم. (۱۴۰۳). فلسفه حقوق بشر اسلامی در چشم انداز آموزه های وحیانی. نشریه حقوق بشر اسلامی، ۳(۲)، ۱-۲۴.
- عزتی، مرتضی. (۱۴۰۳). عدالت در قرآن و ابعاد اقتصادی آن. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۴(۲)، ۴۵-۶۸.
- علوی مهر، حسین. (۱۴۰۱). راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی در تولید از دیدگاه قرآن. قیسات، ۲۶(۱۰۲)، ۱۵۳-۱۷۸.
- قحف، منذر. (۱۳۸۵). اقتصاد اسلامی و چالشهای معاصر. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۳۸۷). شرایع الإسلام. قم: موسسه اسماعیلیان.
- محمدی، جعفر. (۱۴۰۱). مبانی قرآنی امنیت اقتصادی. سیاست متعالیه، ۱۰(۳۶)، ۱۲۷-۱۴۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). عدل الهی (چاپ شانزدهم). تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (چاپ پانزدهم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- میردامادی، سیدمحمد. (۱۴۰۰). نگرشی قرآنی به مفهوم امنیت اقتصادی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۴(۹۲)، ۲۵-۵۰.
- نصیری، علیاصغر. (۱۳۹۸). بررسی مناسبات امنیت اقتصادی متعالی و آزادی اقتصادی متعالی در نظام اقتصادی اسلام. سیاست متعالیه، ۷(۲۷)، ۱۴۶-۱۲۷.
- نصیری، علی اصغر. (۱۴۰۱). مبانی قرآنی امنیت اقتصادی. سیاست متعالیه، ۱۰(۳۶)، ۱۲۷-۱۴۶.
- هادوین یاء، علیاصغر. (۱۳۸۶). فلسفه اقتصاد در پرتو جهان بینی قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ماوردی، علی بن محمد. (۱۴۰۶ق). الأحکام السلطانیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- الصلابی، علی محمد. (۲۰۰۳). السیره النبویه. ریاض: مکتبه العبیکان.
- العوا، محمد سلیم. (۲۰۰۶). فی النظام السیاسی للدولة الإسلامیه. قاهره: دارالشروق.
- فیاض، محمداسحاق. (۱۴۲۵ق). منهاج الصالحین. نجف: مکتبه الإمام صاحب الزمان.

FAO. (2023). The State of Food Security and Nutrition in the World. Rome: FAO.

ILO. (2022). World Employment and Social Outlook. Geneva: ILO.

- JAWHAR. (2023). Annual Report of Waqf in Malaysia. Kuala Lumpur: Department of Waqf, Zakat and Hajj.
- Sen, A. (1999). Development as Freedom. Oxford: Oxford University Press.
- Transparency International. (2023). Corruption Perceptions Index. Berlin: Transparency International.
- UNDP. (2024). Human Development Report. New York: UNDP.
- United Nations. (1948). Universal Declaration of Human Rights. New York: UN.
- United Nations. (1966). International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. New York: UN.
- World Bank. (2023). Poverty and Shared Prosperity Report. Washington: World Bank.